

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ واژه ها و اصطلاحات اخلاقی

محمد ادیب نیا - مدرس دانشگاه

رضا نوروزیان پایین افرا کتی - مدرس دانشگاه فروردین و آزاد

قائم شهر

مراد باقرزاده کاسمانی - مدرس دانشگاه، عضو هیئت علمی دانشگاه

آزاد اسلامی (واحد چالوس)

سرشناسه	: ادیب‌نیا، محمد، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات اخلاقی/ محمد ادیب‌نیا، رضا نوروزیان پایین‌افراکتی، مراد باقرزاده کاسمانی.
مشخصات نشر	: بابل: نشر مبعث، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۵۵۰ ص.؛ ۲۹×۲۲ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۹۵-۷۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: اخلاق اسلامی Islamic ethics
شناسه افزوده	: نوروزیان، رضا، ۱۳۲۳ -
شناسه افزوده	: باقرزاده کاسمانی، مراد، ۱۳۲۵ -
رده بندی کنگره	: BP۲۴۷/۸
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۵۲۰۳۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



انتشارات مبعث

عنوان: فرهنگ واژه ها و اصطلاحات اخلاقی

مؤلفان: محمد ادیب نیا (مدرس دانشگاه) رضا نوروزیان پایین افرا کتی (مدرس دانشگاه فروردین و آزاد قائمشهر)

مراد باقرزاده کاسمانی (مدرس دانشگاه، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد چالوس))

ناشر: انتشارات مبعث

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۲۰۰

تعداد صفحه: ۵۵۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۹۵-۷۰-۹

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان

آدرس ناشر: مازندران، بابل: میدان آستانه امامزاده قاسم (ع) ساختمان نوین طبقه دوم

۰۹۱۱۳۱۰۵۴۲۹-۰۹۳۹۱۱۱۵۴۲۹-۰۱۱ پست الکترونیکی ناشر:

abdolahi.mabas@gmail.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	کلیات
۳	تاریخ علم اخلاق
۸	کتابهای اخلاقی
۱۶	کتابهای اخلاقی - عرفانی
۲۲	کتابهای تلفیقی
۲۴	اخلاق در تعالیم امام خمینی (س)
۲۸	لغات و اصلاحات علم اخلاق آ - ا
۱۳۳	لغات و اصلاحات علم اخلاق ب - ب
۱۵۳	لغات و اصلاحات علم اخلاق ت - ت
۱۹۹	لغات و اصلاحات علم اخلاق ج - ج
۲۰۲	لغات و اصلاحات علم اخلاق ح - ح
۲۴۲	لغات و اصلاحات علم اخلاق د - د
۲۵۳	لغات و اصلاحات علم اخلاق ر - ز - ژ
۲۹۵	لغات و اصلاحات علم اخلاق س - ش
۳۲۵	لغات و اصلاحات علم اخلاق ص - ض
۳۳۵	لغات و اصلاحات علم اخلاق ط - ظ
۳۴۴	لغات و اصلاحات علم اخلاق ع - غ
۳۸۶	لغات و اصلاحات علم اخلاق ف - ق
۴۱۵	لغات و اصلاحات علم اخلاق ک - گ
۴۲۹	لغات و اصلاحات علم اخلاق ل - م
۴۷۰	لغات و اصلاحات علم اخلاق ن - و
۵۲۵	لغات و اصلاحات علم اخلاق ه - ی

مقدمه

حقیقت این است که اگر بخواهیم بین انسان و عالم آخرت پیوند حقیقی و ارتباطی دائمی پیدا نماییم آن را باید در مفهوم اخلاق ببینیم، انسان از جهت جاودانگی اش موضوع شریف علم اخلاق می باشد. و تمام انبیای الهی در جهت تحقق کمال و اتمام ارزش های اخلاقی آدمی از جانب خداوند برانگیخته شده اند تا بلکه انسان در عالمی دیگر به حیات زیبای ابدی و الهی خود ادامه دهد و لذا با چنین نگرشی است که در فرهنگ نورانی اسلام انسان از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. انسان بهترین مخلوق و بزرگترین آیه خداوند و اشرف مخلوقات و مسجود فرشتگان و امانتدار خداوند و جانشین الهی در زمین معرفی شده و از نفخه الهی برخوردار است. و اینها همه، کرامت های ذاتی و الطاف بی پایانی است که خداوند به آدم علیه السلام و فرزندان اش اعطا فرموده است. و اینجاست که برای تعالی خانواده و تحول هر جامعه ای و موفقیت هر سازمانی به نهایت رضایت شخص از خود و تکریم شخصیت آنان بستگی دارد. زیرا رسیدن به مقام عبودیت و اخلاص و کسب رضای خداوند برای هر انسانی، کاملاً در راستای رعایت حرمت انسان ها و احقاق حق و قشون و رسیدن به دادشان می باشد و این مهم بسیار واضح و آشکار است که فقط با تقویت تقوا و اخلاق حسنه و تخلق به اخلاق الهی امکان پذیر است. چرا که خدمت به خلق و سعی و تلاش در حل و رفع مشکلات آنان همواره موجبات رضایت الهی و رسیدن به مقام قرب او را در پیش دارد و لذا گفته شده است که راه خدا از میان خلق می گذرد. و البته در اثبات آن آیات قرآنی و روایات نورانی بسیاری از معصومین علیهم السلام در کتب معتبر اسلامی آمده است.

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست عالمی دیگر نباید ساخت و از نو آدمی
گریه حافظ چه سنجد پیش استغای عشق کاندرا این دریا نماید هفت دریا شنبی
(دیوان حافظ/ غزلیات)

کلیات

اخلاق، جمع خُلُق یا خُلُق به معنای صورت باطنی و ناپیدای انسان است که سرشت و سیرت نیز نامیده می شود؛ چنان که خُلُق بر صورت ظاهری و دیدنی انسان دلالت دارد. [تاج العروس، ج ۱۳، ص ۲۴] [مفردات، ص ۲۹۷؛ لغت نامه، ج ۶، ص ۸۷۱] خُلُق در اصطلاح، ملکه ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکر کردن، از انسان صادر می شود. «ملکه» آن دسته از کیفیات نفسانی است که به کندی از بین می رود، در برابر دسته دیگری از آن به نام «حال» که به سرعت زوال می پذیرد. [اسفار، ج ۴، ص ۶۳؛ تهذیب الاخلاق، ص ۲۷؛ احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۹۶] ارتباط میان معنای لغوی و اصطلاحی خُلُق بدین گونه است که صورت باطنی انسان را کیفیات نفسانی وی می سازد؛ چنان که صورت ظاهری وی را کیفیات جسمانی او رقم می زند. با توجه به معنای اصطلاحی، تنها به قوه انجام دادن کار، خُلُق گفته نمی شود؛ زیرا رابطه خُلُق با انجام دادن کار، بیش از حد مذکور است. نسبت خُلُق با انجام دادن کار مانند نسبت آمادگی و مهارت کاتب با نوشتن حروف و کلمات است که به سهولت و بدون فکر و تروی صورت می گیرد؛ [المباحث المشرقیه، ج ۱، ص ۵۰۹] چنان که خُلُق بر خود فعل انجام گرفته نیز اطلاق نمی شود و فقط بر مصدر روحی و نفسانی انجام دادن کار اطلاق می گردد؛ [المباحث المشرقیه، ج ۱، ص ۵۰۹] اما برخی از باب توسعه و مجاز آن را درباره خود فعل نیز به کار می برند. [الذریعه، ص ۱۱۴] خُلُق، براساس نوع فعلی که از آن صادر می شود به پسندیده یا ناپسند اکتصاف می یابد؛ هر چند وقتی خُلُق یا اخلاق به صورت مطلق و بدون وصف یا قیدی به کار رود، به معنای خُلُق پسندیده است. [المیزان، ج ۱۹، ص ۳۶۶]